

عنوان مقاله:

شکل گیری نظریه فلسفی تمایز وجود و ماهیت در جهان اسلام

محل انتشار:

فصلنامه پژوهشهای فلسفی کلامی، دوره 15، شماره 2 (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسنده:

سیمین عارفی - عضو هیئت علمی سازمان سمت.

خلاصه مقاله:

بحث درباره وجود و ماهیت و رابطه میان آنها از مباحث بنیادین فلسفه است. از جهات گوناگون می توان تصاویری از این رابطه را در قالب تمایز طبیعی، منطقی و فلسفی نشان داد. تمایز طبیعی در میان فیلسوفان گوینده ای نداشته و تمایزی که در فضای فلسفی یونان و در ارسطو در مباحث مربوط به «پرسش های علمی» و «فلسفه نخستین» دیده می شود، تمایزی منطقی است. ارسطو هرگز از مرز تمایز منطقی فراتر نرفته و نمی توانسته فراتر رود؛ چراکه در دیدگاه وی جهان بی آغاز است و آفریدگاری ندارد؛ هستی همیشه هست و عدم مطلق، مطلقا نیست و مفهوم امکان - به معنای شکاف واقعی میان ماهیت و وجود- ناشناخته است. در مقابل، در فضای ادیان توحیدی، جهان و هر چه در آن هست مخلوق است و مخلوق یعنی آنچه علت «بودن» خود را به همراه ندارد و وجودش را از خالق (خدا) دریافت می کند. چنین آموزه ای در جهان اسلام به پیدایش مفهوم فلسفی «امکان» و دسته بندی دوقطبی موجودات به «واجب الوجود» و «ممکن الوجود» انجامید. مراد از تمایز فلسفی همین است که «وجود» در ممکن الوجودها معلول علتی خارجی و خارج از ماهیت شیء است. به لحاظ تاریخی سرآغاز این نظریه به فلسفه کندی باز می گردد که در آن او با طرح نظریه «ابداع» و توصیف علل به خالقیت، آموزه خلقت را جانشین نظریه یونانی «پیدایی عالم» کرد. فارابی هم نخستین کسی است که با تقسیم موجود به واجب و ممکن و تحلیل واقعیت ممکنات به وجود و ماهیت، مسئله تمایز فلسفی را مطرح کرد و ابن سینا آن را مبنای مابعدالطبیعه خود قرار داد و به استخراج لوازم فلسفی آن در حوزه های مختلف پرداخت. هدف از نگارش این مقاله نشان دادن سهمی است که کندی و فارابی با توجه به آثار موجودشان در پیدایش این نظریه داشته اند.

کلمات کلیدی:

وجود، موجود، ماهیت، تمایز، ترکیب، ارسطو، کندی، فارابی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1482694>

